



128

Vol. 33
Autumn 2024
P.P: 241-264

Research Paper

Received:
2024-09-24
Revised:
2024-11-03
Accepted:
2024-12-10
Published:
2024-12-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Defense Policy

Examining the Sassanid defense policy in a dream with the Arabs with an emphasis on the structure and performance of the army

Hossien Moradi ¹ | Leyla Mohammadi ²

Abstract

In order to implement the defense policy to protect their geographical borders, the governments need a strong and strong army to deal with the enemies and the continuity of the country's political territory. The formation of active and inactive defenses is one of the measures that can guarantee a permanent, efficient and orderly army. The Sassanians used this rule well, using the experiences of the previous dynasties. Acquaintance with various war methods as well as equipping cavalry and infantry in the Sassanid period made it possible to take security and comfort from the enemy. This research was conducted with the aim of investigating the Sassanid defense policy in a dream with the Arabs, emphasizing the structure and performance of the army, and the research method is descriptive-analytical. The results of the research show that the main organization and organization in the defense policy of the Sassanid army included: the general command with the role of the king, commanders, military commanders, military units, battle tools and military techniques and tactics, formations and battle formations on the battlefield and weapons. which were the main criteria of the structure of the Sassanid army and the findings resulting from the confrontation of the Muslims have shown that Islamic teachings brought many successes to the Muslim army, because they have the unity of the word, their heart and religious beliefs about the afterlife, the scarcity of livelihood, and the habit of hardship And tolerating the hardships of the desert, starvation and hunger, they were highly disciplined and courageous. The Arab soldiers also entered the battlefield with the love of war and martyrdom and volunteered to carry out the operations and responsibilities of the battle.

Keywords: Structure and Performance, Defense Policy, Commanders, Muslim Arabs, Sassanid Army.

1. PhD student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Abhar, Iran

2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Abhar, Iran

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.4.9

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





۱۲۸

سال سی و سوم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۲۶۴-۲۴۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۳۶۴۵



«سیاست دفاعی»

بررسی سیاست دفاعی ساسانی در رویارویی با اعراب با تاکید بر ساختار و عملکرد ارتش

حسین مرادی^۱ | لیلا محمدی^۲

چکیده

دولت‌ها برای اجرای سیاست دفاعی جهت حفاظت از مرزهای جغرافیایی خود نیاز به ارتشی نیرومند و قوی برای مقابله با دشمنان و استعمار قلمرو سیاسی کشور دارند. شکل‌گیری پدافندهای عامل و غیرعامل از جمله تدابیری است که می‌تواند ضامن ارتشی دائمی، کارآمد و منظم باشد. ساسانیان با استفاده از تجارب سلسله‌های پیشین، از این قاعده به‌خوبی استفاده کردند. آشنایی با انواع شیوه‌های جنگی و همچنین تجهیز سواره‌نظام و پیاده‌نظام در دوره ساسانیان سبب گردید تا امنیت و آسایش را از دشمن بگیرد. این پژوهش با هدف بررسی سیاست دفاعی ساسانی در رویارویی با اعراب با تاکید بر ساختار و عملکرد ارتش انجام شده و روش پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تشکیلات اصلی و سازماندهی در سیاست دفاعی ارتش ساسانی شامل: فرماندهی کل با نقش پادشاه، فرماندهان، سرداران نظامی، واحدهای نظامی، ابزار نبرد و فنون و تاکتیک‌های نظامی، تشکیلات و آرایش جنگی در میدان نبرد و جنگ افزارها بوده، که عمده‌ترین معیارهای ساختار ارتش ساسانی بودند و یافته‌های منتج از رویارویی مسلمانان، بیانگر این بوده که تعالیم اسلامی توفیقات زیادی را نصیب سپاه مسلمانان کرد، زیرا آنها دارای وحدت کلمه، اعتقادات و باورهای قلبی و دینی به جهان آخرت، تنگی معیشت، عادت به سختی و تحمل سختی‌های بیابان، تشنگی و گرسنگی، انضباط زیاد و روحیه جنگندگی و جسارت بودند. سپاهیان اعراب نیز با عشق به جنگ و شهادت پا به عرصه نبرد می‌گذاشتند و برای انجام عملیات و مسئولیت‌های نبرد داوطلب می‌شدند.

کلیدواژه‌ها: ساختار و عملکرد، سیاست دفاعی، سرداران، اعراب مسلمان، ارتش ساسانی

۱. دانشجو دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران emailaddress@ihu.ac.ir

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.4.9



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

امپراتوری ساسانی که نام رسمی آن ایرانشهر بود و مورخان از آن به عنوان امپراتوری نو پارس یاد می کنند. پایان دوره ایران باستان و آخرین امپراتوری بزرگ ایران قبل از حمله اعراب به ایران در قرن هفتم و هشتم میلادی بود که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی به مدت ۴۲۷ سال بر ایران حکومت کردند (مشکور، ۱۳۶۳؛ ۱۲). توسعه طلبی حکومت ساسانی و گسترش مرزها و متصرفات خارجی و همچنین کشمکش های درون تشکیلات حکومتی بر سر قدرت و نفوذ در هرم قدرت سیاسی بین اشرافیت با شاه، رویکرد گرایش به استفاده از نیروهای کمکی و پشتیبان را افزایش داد (هنرمند، ۱۳۹۱: ۱۴۷). همین چالش ها در طول دوران حکومت چهارصدساله ساسانیان موجب گردید یک ارتش نیرومند و آشنا به فنون جنگی و رزمی در این سلسله تشکیل گردد، به طوری که شیوه ها، شگردها، جنگ افزارها و تاکتیک های نظامی مختلف مبنای کار آن ها گردید و به مرور زمان با تشکیل نیروهای کمکی و پشتیبان در ارتش متشکل از ملیت ها و مذاهب گوناگون برای حفظ تعادل و توازن قدرت و شکل گیری سامانه ترابری منظم سپاه، پشتیبانی نظامی، سیستم تغذیه و خدمات پزشکی و دامپزشکی و غیره ارتشی توانمند ایجاد گردید که رومی ها آن را با ماشین جنگی خود برابر می دانستند. در عصر ساسانی، ارتش به یک نهاد یا سازمانی در حکومت تبدیل گردید که در درون خود انبوهی از مسائل سیاسی را جای داد که زمینه های رفتاری مختلف از درون ساختار ارتش ساسانی امکان بروز می یابد. پس از مرگ خسرو پرویز دیگر سلسله ساسانیان روزهای خوشی به خود ندید. با روی کار آمدن یزدگرد سوم که تجربه اداره امپراتوری عظیم ساسانی را نداشت امپراتوری ساسانی دچار ضعف و فروپاشی شد. جنگ های اواخر دوره ساسانی در واقع نتیجه یک سری سیاست های شاهان ساسانی، اوضاع آشفته داخلی، ناکارآمدی و ضعف دولت ساسانی، جنگ های طولانی مدت با دولت روم و از طرف دیگر طمع سپاهیان عرب برای تصاحب ثروت ایرانیان به وجود آورد که این جنگ ها نتایج بزرگی برای اعراب مسلمان داشت (دشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۶). با ظهور اسلام و اتحاد عربستان در زمان پیامبر اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، توجه به خارج از عربستان به دلایل سیاسی و نظامی ناشی از تهدیدات خارجی ضروری احساس شد. در زمان ابوبکر و پیدایش بحران رده، دو

دلیل اقتصادی و اجتماعی نیز به این علل اضافه شد و مسلمانان در تعقیب بیابانیان رده وارد بین النهرین شدند. با ورود طرفین که به درگیری منجر شد، اما قبل از ورود مسلمانان به بین النهرین و سپس ایران، حکومت اعراب دست نشانده حکومت ساسانی در بین النهرین بین منافع ساسانیان و مسلمانان تضاد پیدا کرد و به ناچار فروپاشید. این فروپاشی که پس از اصلاحات خسرو اول آغاز شد، پس از خسرو دوم به فروپاشی اقتدار مرکزی و ایالتی ساسانیان انجامید و تا زمان سلطنت یزدگرد سوم ادامه یافت و طی آن حکومت ایران به دست عده زیادی افتاد و امرای بلندپرواز که هر کدام به دنبال منافع خود بودند. به این ترتیب جنگ های اول فقط درگیری های پراکنده بین مسلمانان و ساکنان مناطق بین تیسفون و قادسیه بود و جلولا تنها ستاد در سیاست دفاعی بود که به دست مسلمانان افتاد. پس از مرگ یزدگرد، کسانی که او را تعقیب می کردند، از خراسان به دنبال بازماندگان او رفتند و وارد ماوراءالنهر شدند. به طور کلی پیروزی سپاه اسلام در نبردهای ذی قار، زنجیر، نهاوند و قادسیه و غیره، قدرت ایدئولوژی اسلام به عنوان مقوله ای فرهنگی و سیاسی و قدرت و عظمت سپاه ایران و جنگ آنها را به اثبات رساند. اقدامات نظامی ساسانیان نتوانست کوچکترین خللی در ایمان و اراده ارتش مسلمانان ایجاد کند (اینا سترانتسیف، ۱۳۸۴: ۴۱). در رابطه با برهه زمانی سلطنت ساسانیان و حدود چهار قرن حکومت ایشان بر سرزمین ایران، تعداد بی شماری کتاب و مقاله نگارش و به رشته تحریر درآمده است. اما آنچه در این بین حائز اهمیت بیان است این که مطالعات و علم تولیدی ارائه شده در این منابع جملگی دارای هارمونی یکنواخت و حداقل اختلاف با یکدیگر را دارا بوده و راجع به نحوه و چگونگی بروز و ظهور و در نهایت سقوط این حکومت با تکیه بر مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مباحثی را بیان داشته اند و متأسفانه تاکنون کمترین توجه به نحوه شکل گیری ارتش این سلسله و نقش و کوتاهی آن در اضمحلال ساسانی سخن رفته است و غالباً فقط به شرح جنگ ها و ستیزه جوئی پادشاهان آن برای افزایش مستعمرات و سرزمین های تصرف شده توسط ارتش بحث شده است. از طرفی با توجه به اسناد و مدارکی که در مورد ساختار ارتش، نحوه جنگ آوری، ادوات جنگی، تاکتیک های نظامی و هنر جنگیدن در کارزار در دوره ساسانیان بر جای مانده است و نیاز به بررسی عملکرد آنان در برقراری امنیت در سطح این امپراتوری بزرگ، دارای ابهاماتی است که سعی بر آن شده است تا با رویکردی نوین، این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

ادبیات پژوهش

ساختار جامعه ساسانی بسیار پیچیده بود و اقوام چادرنشین بسیاری در آن زندگی می‌کردند، که نظام قبیله‌ای و جداگانه خود را داشتند. برخی از خاندان‌های متنفذ پارتی همچنان اهمیت داشتند. جامعه ساسانی به گونه‌ای گسست‌ناپذیر به دو گروه «آزاتان» (آزادمردان)، که با تعصب از جایگاه خود در مقام فرزندان فاتحان کهن آریایی دفاع می‌کردند، و توده روستاییان اساساً غیرآریایی تقسیم می‌شد. آزادان انبوه اشراف کهنتر و کاربه‌دست دولتی را تشکیل می‌دادند و بیشتر بر پایه املاک کوچک خود گذران زندگی می‌کردند و هسته اصلی اسواران^۱ ساسانی را شکل^۲ سرنوشت می‌دادند (دیاکونف، ۱۳۸۵: ۱۲۶). مهمترین گروه در میان اینان اسواران زره‌پوش بودند که معمولاً جنگ‌ها را رقم می‌زدند. به نظر می‌رسد تقسیم اسواران به سواران زبده سنگین اسلحه و انبوه سواران بدون زره در آغاز و در روزگار اشکانی و در میان‌رودان و باختر ایران پدید آمده است. این کار به سبب دلایل اقلیمی و نیز فرهنگی و اجتماعی روی داد. در طول نخستین سده‌های حکومت ساسانی جایگاه سواران مستقل به تدریج و با استخدام اسوارانی که اشراف بلندمرتبه نزد خود نگاه می‌داشتند تنزل یافت. تنها در سده ششم میلادی بود که اسواران صاحب ملک موروثی دگربار حیات یافتند. در آن زمان جایگاه دهقانان (دهگانان) یا اشراف کهنتر تنها اندکی بالاتر از مدافعان محلی بود. در مرکز نظام طبقاتی ساسانی شاهنشاه قرار داشت که بر شاهان کهنتر، شاهزادگان و اشراف نیرومند فرمان میراند. اما شاهان نسبتاً مستقل روزگار اشکانی در این دوره کم‌شمارتر شده بودند و به تدریج شاهزادگان ساسانی، که در مقام حاکمان استانی عمل می‌کردند، جای آنها را گرفتند. دربار شاهنشاه در تیسفون (تلفظ دقیقتر آن در پهلوی تیسپون) قرار داشت، که در جنوب بغداد کنونی در عراق واقع بود. اینجا «مرکز ایرانشهر» شناخته می‌شد و شامل هفت شهر بود که کلان‌شهری مهم را تشکیل می‌دادند. امور نظامی در دست گروه کوچکی از رایزنان شاهی بود. وزرگ‌مدار یا فرمانده در حکم نخست‌وزیر بود. همچنین فرماندارهای کهنتر بسیاری در دربار بودند، که احتمالاً همگی شان وظایفی نظامی بر عهده داشتند. در نخستین سال‌های حکومت ساسانی مهم‌ترین سرزمین‌های مرزبان عبارت بودند از: ارمنستان، بیت‌آرامانی در میان‌رودان، فارس، کرمان، اصفهان، آذربایجان، طبرستان، نیشابور، طوس و سجستان (سیستان) در

۱ سواران

ایران، بحرین در خلیج فارس، هرات، مرو و سرخس در خاور ایران. برخی از این نواحی بسیار کوچک، برخی تا حد زیادی خودمختار، و برخی نواحی نیز از نظر نظامی مهمتر از دیگران بودند (تفضلی، ۱۳۸۵: ۲۲). شاهنشاهی ساسانی با وجودی که نظام طبقاتی نژادی داشت، اما فرهنگ اتباع آرامی و سامی نژاد خود را، در سرزمینی که عراق امروزی است، بیش از رومی‌ها و بیزانسی‌ها و اتباع سامی ایشان در سوریه، به رسمیت می‌شناخت. ایران سپهبد فرمانده کل ارتش بود، که در مقام وزیر جنگ و رئیس گروه مذاکره‌کنندگان صلح نیز عمل می‌کرد. در سال‌های آغازین حکومت ساسانی فرمانده واقعی جنگ ارتشتاران سالار نام داشت. سپهبدان کهنتر ارتش‌های منطقه‌ای را فرماندهی می‌کردند در حالی که مرزبانان ناحیه‌ای و کنارنگ‌ها را می‌توان سرداران میدان نبرد دانست. درباره رده‌بندی افسران کهنتر عملاً چیزی نمیدانیم. سربازان در رژه‌های منظم در برابر فرماندهان خود تعظیم می‌کردند که در سال‌های آغازین، خواننده‌های بزرگ بدون هیچ دستمزدی خدمت می‌کردند و از آنها انتظار می‌رفت که افرادشان را با تجهیزات کامل به خدمت بفرستند (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸: ۴۲۲).

پیشینه پژوهش

در کتاب «اخبار الطول با نگارش ابوحنیفه دینوری (متوفای ۲۸۱ق) از مهم‌ترین کتب و مصادر تاریخی بوده که حاوی یک دوره تاریخ فشرده از آدم (ع) تا مرگ معتصم هشتمین خلیفه عباسی است. این کتاب تألیف ابوحنیفه احمد بن داود دینوری است و توسط محمود مهدوی دامغانی به فارسی ترجمه شده است و انتشارات نی در سال ۱۳۹۵ چاپ دهم آن را به انجام رسانده است. این اثر دربرگیرنده حوادث و اتفاقات اجتماعی، نظامی و سیاسی ایران به‌ویژه در سده‌های دوم و سوم (ه. ق) است. این کتاب در مورد ساختار سازمانی و تشکیلات اداری و دیوانی سده‌های ابتدایی دولت اسلامی - به‌خصوص در حوزه مسائل قابل توجه تصمیمات کشوری و ایالتی - به‌وضوح بیان و تفسیر وضعیت می‌پردازد. در کتاب «تاریخ الرسل و الملوک» توسط محمدبن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری تاریخ نگار و پژوهشگر مسلمان ایرانی به زبان عربی در اواخر سده سوم هجری نگاشته شده که توسط ابوالقاسم پاینده ترجمه شده و در سال ۱۳۹۴ چاپ دهم جلد اول آن در انتشارات اساطیر تهران صورت گرفته است. کتاب ارتش ایران ساسانی که توسط

دیوید نیکول در سال ۱۳۹۵ تألیف شده و توسط محمد آقاجری ترجمه شده به معرفی مختصر سازمان نظامی ایران در دوره‌ی ساسانی می‌پردازد. معرفی ویژگی‌های شاهنشاهی ساسانی، پیش‌زمینه‌ی ارتش در عصر اشکانی، جامعه و حکومت ساسانی، شیوه‌های رزمی، رسته‌های نظامی، دژها و استحکامات ارتش، اصلاحات در این سازمان در واپسین سال‌های حکومت ساسانی موضوعاتی هستند که این کتاب به آن‌ها پرداخته است. کتاب سواره‌نظام زبده ساسانی اثر کاوه فرخ با ترجمه میثم علیی که توسط انتشارات امیرکبیر تهران در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده و کتاب حاضر به بررسی ساختار سواره‌نظام ارتش ساسانی اختصاص دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی با رویکرد بررسی اسناد تاریخی است. شیوه و ابزار جمع‌آوری مطالب الگوهای مطالعات اسنادی بر پایه تحقیقات و بررسی‌های کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و منابع اینترنتی، مقالات از منابع علمی در خصوص دوران ساسانی است.

سؤالات پژوهش

ساختار و عملکرد ارتش ساسانی متأثر از سیاست دفاعی ساسانیان و علل فرپاشی ارتش ساسانی در مقابل اعراب چگونه بوده است؟

ساختار و عملکرد سیاست دفاعی ارتش ساسانی

شکل‌گیری ارتش

نیروهای نظامی در تمامی دوره‌ها عامل اصلی به قدرت رسیدن گروهی خاص در هر کشور هستند. مهمترین وظیفه‌ی آنان، حمایت از خاندان پادشاه در مقابل تهدیدات و خطرات بود. به عبارت دیگر، مشروعیت دستگاه حکومتی به قدرت سیاسی و نظامی ارتش بستگی داشت (ارغندی، ۱۳۷۴: ۵۰). ساسانیان هم مانند تمامی امپراتوری‌ها بی‌نیاز از سرباز و اراتش مقتدر نبودند (کریستن‌سن، ۱۳۸۴: ۱۵۱). روی کار آمدن بسیاری از شاهان نیز، در گرو همراهی سپاهیان و جنگجویان با وی بود و البته این بزرگان و اشراف خاندانی بودند که می‌توانستند با در اختیار قرار دادن نیروهای زیردست خود، شاه ساسانی با مدعی تاج و تخت را یاری نمایند. با تکیه بر همین نیروهای کارآمد «شاهزادگان، بزرگان، آزادان و پارسیان و پارتیان، کدخدایان، شهرداران و آمارگران و سرمایه‌داران» بود که نرسی توانست شهریاری ساسانی را به چنگ آورد (لوکونین،

۱۳۶۵: ۱۸۸). ارتش ایران ساسانی بیش از چهارصد سال نگرهبانی از خاک ایران را بر عهده داشت و در این مدت بر انبوه دشمنانی که این کشور را در پشت مرزهای ایران محاصره کرده بودند، شکست داد (نیکول، ۱۳۹۵: ۱۵).

روش‌های سیاست دفاعی در ارتش

نظامی‌گری در دوره ساسانی موروثی بوده و بیشتر این نظامیان از خانواده‌هایی نظامی و تحت تربیت نظامی بوده‌اند. از میان تمامی این رسته‌ها اسواران یا همان سواران ساسانی که بیشتر پارتی تبار هم بودند از شهرت بیشتری برخوردار بودند. دیلمیان عمدتاً در شمشیرزنی و نیزه‌اندازی مهارت داشتند و پایگان نیز پیاده‌نظام ارتش ساسانی بودند و گاهی نیروهای فدایی اسواران می‌شدند و در تیراندازی مهارت خاصی داشتند. فیلبانان دوره ساسانی هم عمدتاً سواران فیل‌هایی بودند که از هندوستان آورده شده بودند. کاربرد فیل بیشتر برای ارعاب و ترساندن سپاهیان دشمن و بخصوص اسب‌های نظامی رومیان بود (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۳۵۳). ساسانیان در فن محاصره کردن و قلعه‌گیری مهارت داشتند و برای دفاع از شهرها و اردوی نظامی گاهی اقدام به حفر خندق می‌کردند. استفاده از منجنیق و قلعه‌کوب در دوره ساسانی رایج بوده است. شاه یا فرمانده لشکریان پیش از هر جنگ ارتش خود را سان می‌دید و هر سربازی یک تیر به درون سبد می‌انداخت و شمار واقعی لشکریان معلوم می‌شد. در ارتش ساسانی فرمانده کل شاه کشور بود. در پس او ایران سپهبد این عنوان را داشت. شخص شاه بندرت در جنگ‌ها شرکت می‌کرد (شاپور دوم شرکت می‌نمود). در صورت عدم حضور شاه فرمانده لشکریان بر تخت جلوس می‌کرد. دریافت حقوق سپاهیان از خزانه شاهی بود و آن‌ها می‌بایست به وفاداری به شاه سوگند می‌خوردند. انضباط در ارتش باید رعایت می‌شد و معمولاً جز فرماندهان ارشد کسی از برنامه‌های جنگی یا عملیاتی در جبهه اطلاع نداشت. سرپیچی از دستور فرماندهان مجازات سنگینی داشت. مجازات‌های نظامیان ساسانی عمدتاً بر پایه جرائمی مانند خیانت به شاه، سرپیچی، سرکشی و فرار استوار بود. غذای سربازان در جنگ مقوی و مرکب از نان و شیر و گوشت بود. حقوق کلیه نظامیان به شرطی پرداخت می‌شد که در هنگام سان ظاهر و ادوات نظامی‌شان فاقد نقص بوده باشد. کسی هم از این قاعده مستثنی نبوده است (ارغندی، ۱۳۷۴: ۴۸).

ساختار استراتژیک و راهبردی در سیاست دفاعی ارتش

موقعیت استراتژیک و راهبردی ایران، این سرزمین پهناور را همواره در طول تاریخ مورد تجاوز، طمع، تهدید و تهاجم قرار داده بود. امپراتوری گسترده‌ای که به مدت چهار قرن و ربع به دست اردشیر بابکان بنیان نهاده شد، با تغییر در ساختار ارتش پارتی، شکل منسجم و ثابت تری را به ارتش شاهنشاهی ساسانی داد. شیوه تقسیمات سپاه ساسانی در آن دوره هم مانند دوره های پیشین بر پایه سیستم ده‌دهی بوده است. یک گروهان مشتمل بود بر صد نفر و از هر چهار گروهان یک هنگ پدید می‌آمد و سرانجام از ده‌هنگ یک لشکر یعنی ده هزار نفر ایجاد می‌شد (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۶). سیستم نظامی‌گری ساسانیان با سیستم های نظامی اشکانیان دارای تفاوت های زیادی بود و قشون سواره و چریکی اشکانی که پراکنده مبارزه می‌کردند جای خود را به سپاه منظم و قانونمند ساسانی سپرد (رجبی، ۱۳۸۳: ۵۵). ارتش امپراتوری ساسانی جنگ‌های زیادی با هپتالیان و رومیان و اعراب انجام داد. ارتشتاران و نظامیان از طبقات دوره ساسانی بودند و هزینه و دستمزد آن‌ها از خزانه شاهی ایران پرداخت می‌شد. شاه بالاترین مقام نظامی بود. در ارتش ساسانی انضباط شدیدی حکمفرما بوده است. فرماندهان مخصوصاً موظف بودند که قبل از جنگ، سربازان را به حفظ آیین و میهن تشویق نمایند و از پاره ای اظهارات که ممکن است باعث تولید حس بدبینی و تزلزل روحیه نفرات بشود، قویاً احتراز کنند (مقتدر، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

نقش سرداران به عنوان یک عامل انسانی در سیاست دفاعی ارتش

رستم فرخزاد یا رستم سپهبد یا رستم فرخ هرمز پسر سپهبد فرخ هرمزد (زاده ۶۳۰ - درگذشت ۶۳۶ میلادی) سردار معروف و مدبر و دلیر اواخر عهد ساسانی و سپه‌سالار کل ارتش ایران در زمان پادشاهی یزدگرد سوم ساسانی بود. رستم فرخزاد در جنگ قادسیه که در کشور عراق و در منطقه‌ای با همین نام رخ داد، به دست اعراب کشته شد. او بزرگ‌ترین قهرمان ملی ایران در قرن هفتم میلادی است که در پایان حکومت ساسانیان حکومت خراسان را نیز در دست داشت. هرمزان یکی از اسپهبدان ارتش ساسانی در زمان یزدگرد سوم بود. او در اصل از نژاد هفت خاندان پارتی بود که در ارتش ساسانیان خدمت می‌کرد. هرمزان در شهر ماد (همدان) زاده شده بود و در شهر مهرگان زادگ ۱ زندگی می‌کرد. (۶۴۲ میلادی) برادر هرمزان نیز مردی به نام شهریار بود که

۱ شهر مهرگان زادگ: شهری در سرزمین بین‌النهرین که در زمان حمله اعراب نابود شد و از آن تنها نام در تاریخ باقی ماند.

فرماندار شوشتر بود. هرمزان در جنگ قادسیه همراه رستم فرخزاد حضور داشت و فرمانده پیاده‌های ایران در جناح راست ارتش ایران بود که پس از شکست ایرانیان و کشته شدن رستم فرخزاد، بهمن جادویه و گلینوش و ... سپاه شکست‌خورده ایران به فرماندهی بهرام رازی، هرمزان و پیروز خسرو به سوی ایران بازگشتند، اما در راه بازگشت و در نزدیکی‌های شهر بایروش (بابل) تصمیم گرفتند که بار دیگر با اعراب بجنگند و انتقام خون کشته‌شدگان را بگیرند و همچنین مانع حرکت اعراب به سوی تیسفون شوند ولی در این جنگ نیز سربازان تشنه لب و بی‌روحیه ایران نیز شکست دوباره خوردند. پس از آن نیز هرمزان با گرد کردن دوباره سپاه قادسیه همراه مهران رازی بار دیگر در نبرد جلولا با اعراب جنگیدند ولی در آن جنگ نیز سپاه ایران شکست خورد و مهران رازی در آن جنگ کشته شد. پس از شکست ارتش ایران در قادسیه و سقوط تیسفون، و سپس نبرد جلولا، بیشتر شهرهای اطراف تیسفون با پرداخت مبلغ بسیاری طلا به مسلمانان با آنان صلح کردند. ولی پس از اندکی که خبرهای قتل و غارت مردم شهرهایی که اسلام را نپذیرفته بودند، به گوش آنان رسید، پیمانی که با اعراب بسته بودند را شکستند و به جنگ اعراب مسلمان رفتند. هرمزان که اوضاع خوزستان را چنین دید تصمیم گرفت به آن سرزمین برود و همچنین آگاهی یافت که مسلمانان در شهر تازه تأسیسان یعنی بصره نیروی آن‌چنان ندارند. هرمزان در دو درگیری خود با مسلمانان شکست خورد (۱۶ هجری) پس تصمیم گرفت به شوشتر، نزد برادرش شهریار برود و با استفاده از برج باروی مستحکم شهر شوشتر، جنگ را با اعراب ادامه بدهد. پس بدین منظور رو به شهر شوشتر نهاد و با جمع آوری مردم دوستدار شاهنشاه ایران و همچنین آذوقه بسیار وارد شهر شوشتر شد از آنجایی که شوشتر شهری آباد و دارای رودخانه بود توانست در اندک مدتی آذوقه فراوان برای سپاه در داخل شهر جمع آوری کند. سورنا فرمانده ارتش ایران در این جنگ از تاکتیک و سلاح‌های تازه بهره گرفت. هر سرباز سوار ایرانی با خود مشک کوچکی از آب حمل می‌کرد و مانند ما دچار تشنگی نمی‌شد. به پیادگان با مشک‌هایی که بر شترها بار بود آب و مهمات می‌رساندند. سواران ایران توانایی تیراندازی از پشت سر را دارند. ایرانیان کمان‌هایی تازه اختراع کرده‌اند که با آن‌ها توانستند پای پیادگان ما را که با سپرهای بزرگ در برابر آن‌ها و برای محافظت از سوارانمان دیوار دفاعی درست کرده بودیم به زمین بدوزند. ایرانیان دارای زوین‌های دوکی شکل بودند که با دستگاه نوینی تا فاصله دور و به صورت پی‌درپی پرتاب می‌شد.

شمشیرهای آنان شکننده نبود. هر واحد تنها از یک نوع سلاح استفاده می کرد و مانند ما خود را سنگین نمی کرد. سربازان ایرانی تسلیم نمی شدند و تا آخرین نفس باید می جنگیدند. این بود که ما شکست خورده، هفت لژیون را به طور کامل از دست داده و به چهار لژیون دیگر تلفات سنگین وارد آمد (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۶۵). ساسانیان در دوره پرافتخار ۴۲۷ ساله خود (۶۵۱-۲۲۴م) سرداران بسیاری را به خود دیده است. در جدول (۲) برخی از سرداران ساسانی آمده است.

جدول ۱. نام سرداران ساسانی

ردیف	نام	شرح
۱	شاپور	شاپور یکم فرزند اردشیر شاهزاده ایران، از سرداران سپاه ساسانی در جنگ علیه حاکم بحرین بود.
۲	مهرنرسی	مهرنرسی، فرمانده سپاه بهرام گور در جنگ ایران و روم بود.
۳	زرمهر	زرمهر، فرمانده سپاه ایران زمان بلاش ساسانی در جنگ با هیاطله بود.
۴	سیاوش	سیاوش، فرمانده سپاه قباد ساسانی در جنگ با روم که به مقام ارتشتاران سالار رسید.
۵	پیروز	پیروز، سپهسالار ایران در جنگ نصیبین بین ایران و روم زمان قباد ساسانی بود.
۶	پی تی یاکس	پی تی یاکس، یکی از فرماندهان سپاه ایران در جنگ نصیبین بود.
۷	بارسمان	بارسمان، یکی دیگر از فرماندهان سپاه ایران در جنگ نصیبین بود.
۸	آزارس	آزارس، فرمانده سپاه ایران در جنگ با روم بود.
۹	وهرز	وهرز، فرمانده سپاه ایران در جنگ با اعراب زمان انوشیروان ساسانی بود.
۱۰	بهرام چوبین	بهرام چوبین، فرمانده سواره نظام ایران زمان انوشیروان و سپهسالار سپاه هرمزد چهارم در جنگ با ترکان بود.
۱۱	یلان سینه	یلان سینه، یکی از فرماندهان ایران در جنگ با روم زمان هرمزد چهارم شاه ساسانی بود.
۱۲	ایزد گشنسب	ایزد گشنسب، یکی دیگر از فرماندهان ایران در جنگ با روم زمان هرمزد چهارم شاه ساسانی بود.
۱۳	نرده گشنسب	نرده گشنسب، یکی دیگر از فرماندهان ایران در جنگ با روم زمان هرمزد چهارم شاه ساسانی بود.
۱۴	دینوری	دینوری، فرمانده سپاه ایران زمان خسرو پرویز بود.
۱۵	شاهین بهمن زادگان	شاهین بهمن زادگان، فرمانده سپاه ایران زمان خسرو پرویز بود که دژ نظامی بیزانس را تصرف کرد.

ردیف	نام	شرح
۱۶	شهربراز	شهربراز، فرمانده سپاه ایران زمان خسرو پرویز فاتح انطاکیه دمشق و اورشلیم و مصر بود.
۱۷	گشنسب اسپاذ	گشنسب اسپاذ فرمانده سپاه ایران در جنگ با سپاه روم بود.
۱۸	مردانشاه ابروند	مردانشاه ابروند، فرمانده سپاه ایران در جنگ با اعراب بود.
۱۹	پیروزان	پیروزان، سردار ایران در جنگ با اعراب زمان ساسانیان بود.
۲۰	موتا	موتا، فرمانده سپاه ایران اواخر زمان ساسانیان بود.
۲۱	اسفندیار	اسفندیار، برادر رستم فرخزاد و از فرماندهان زمان ساسانی بود.
۲۲	فرخان زبندی	فرخان زبندی، سردار ایران در ری زمان ساسانیان بود.
۲۳	برازه	برازه، زمان فرمانروایی اردشیر (۲۴۱-۲۲۶ م) مهندس و احیاکننده شهر فیروزآباد یا اردشیر خوره بود.
۲۴	مرداوچ	مرداوچ، پسر زیار . سردار بزرگ ایرانی که در جهت متلاشی کردن حکومت اعراب در ایران کوشید و جان داد . وی فرمانده لشکر اسفار پسر شیرویه عامل نصر بن احمد ساسانی بود . طبرستان را برای اسفار فتح کرد.
۲۵	مهران	مهران، یکی از سرداران بزرگ ایران و از سپهسالاران ارتش ایران (یزدگرد ساسانی) بود و با اعراب بیابانگرد جنگید و ابو عبیده سردار مشهور عرب را به قتل رسانید .
۲۶	آرمان	آرمان، یکی از اسپهبدان نامور در زمان ساسانیان که در دلاوری و جنگ‌آوری سرآمد روزگار خود بوده است .

نقش فرماندهان در سیاست دفاعی ارتش ساسانی

در طول زمان نبرد، پادشاهان یا فرماندهان کل، جایگاه برجسته بسیار مهمی داشته‌اند. این‌ها در مواقعی وارد میدان نبرد می‌شدند که شرایط اضطراری و بحرانی می‌شد. از جمله معروفترین فرماندهان شامل: شاپور، مهرنرسی، زرمهر؛ سیاوش؛ پیروز، پی تی یاکس؛ بارسمان، آزارس، وهرز، بهرام چوبین، یلان سینه، ایزد گشنسب، نرده گشنسب، دینوری؛ شاهین بهمن زادگان؛ شهربراز؛ گشنسب اسپاذ، مردانشاه ابروند، پیروزان، موتا، اسفندیار، فرخان زبندی، برازه، مرداوچ، مهران و آرمان بودند. در شکل (۱) مولفه‌های اصلی ساختار سیاست دفاعی ارتش در دوره ساسانی نشان داده شده است.



واحدهای نظامی ارتش ساسانیان

در نیروی نظامی ساسانی درجات و رشته‌های نظامی مختلفی وجود داشت که مهم‌ترین آنها سواران، دیلمیان، پیاده نظام، تیراندازان و پیلسواران بودند. ستیزه جویی در دوره ساسانی ارثی بود و بیشتر این سربازان از خانواده‌های نظامی بودند و تحت آموزش نظامی بودند (رجبی، ۱۴۰۰). دیلمیان عمدتاً در شمشیرزنی و نیزه‌زنی مهارت داشتند و پیگان نیز پیاده نظام ارتش ساسانی و گاه سپاهیان سواره نظام وفادار بودند در تیراندازی مهارت خاصی داشتند. فیل سواران دوره ساسانی

عمدتاً فیل سوارانی بودند که از هند آورده شده بودند. از فیل بیشتر برای ارباب و ترساندن نیروهای دشمن و به ویژه اسب های نظامی رومی استفاده می شد (گریشمن، ۱۳۹۹).

رسته سواره نظام

سواره نظام آنگونه که شایسته بود قادر به ایجاد جایگاه مناسب برای خود به عنوان یک نیروی مهم و کارآمد در ارتش هخامنشی را پیدا نکرد. با این وجود این گروه بعدها در ارتش های اشکانی و ساسانی تبدیل به بهترین نیرو و یا درحقیقت قلب سپاه شدند، نیروهایی که پیروزی در جنگ بستگی به استقامت و تبحر آنها داشت (فرخ، ۱۳۸۹؛ ص، ۶).

رسته سواره نظام سنگین اسلحه

واژه سواره نظام در پهلوی اسواره است و رئیس سواره نظام را اسواران سالار می نامیدند (تفضلی، ۱۳۸۵؛ ص، ۲۴). سوارکاران زره پوش سواره نظام سنگین نخبه ای بودند که وظیفه اصلی آنها درهم شکستن پیاده نظام و از بین بردن سازه های سواره نظام سبک بود. نظام سنگین وزن زره پوش هسته اصلی سپاه بود (رجبی، ۱۳۸۳: ۶۰). سواره نظام بخش اصلی و عمده ارتش ساسانیان را تشکیل می داد این رسته غالب دائمی و مجهز بود که توسط شاه برگزیده می شد (صفا، ۱۳۵۶: ۳۹).

رسته سواره نظام سبک اسلحه

هر چند سواره نظام سبک اسلحه با سواره نظام سنگین اسلحه در یک سطح نبود، اما جایگاه سواران سبک اسلحه در برابر نیروهای پیاده نظام همچنان برتر بود. سواران سبک اسلحه نسبت به سواران سنگین اسلحه خیلی کم بودند و برای حرکات دورانی و تهدید جناحین دشمن به کار گرفته می شدند (قوزانلو، ۱۳۱۵؛ جلد ۱: ۲۰۱۴). این نیروی نظامی از میان اقوام متحد مردمان سکستان (سیستان)، آلبانیا، گیلان، هپتالیان، کوشان ها، اعراب و ترک ها استخدام می کردند (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۴۵).

رسته پیاده نظام سبک اسلحه

پیادگان ارتش سامانی، جز یک دسته شان، که، تیراندازان یا کمانداران بودند، در جنگ ها چندان کار پرارزشی انجام نمی دادند و جای آنان در پشت سر سواران بود و همچون بنه دار

سپاهیان به شمار می‌رفتند. به عبارت دیگر پیاده نظام هم که قسمتی از یگان ارتش امپراتوری ساسانی بود به دو قسمت سنگین اسلحه و سبک اسلحه تقسیم می‌شدند. رسته پیاده نظام در حقیقت پشت سر رسته سواره نظام قرار داشت. پیادگان از روستاییان عادی بودند. خدمت نظام از وظایف آنان بود و امید به پاداش نداشتند (کریسن سن، ۱۳۷۸: ۱۳).

رسته پیاده نظام سنگین اسلحه

برخلاف پیاده نظام سبک اسلحه که جایگاه خوبی در میان ارتش شاهنشاهی ساسانی نداشت اما پیاده نظام سنگین اسلحه دارای تیراندازان بسیار ماهری بودند که سرآمد آن دوران محسوب می‌شدند و باعث ترس و حراس دشمنان از جمله رومیان می‌شدند. به صورت شگفت انگیزی سپر پیاده نظام سنگین اسلحه ساسانیان به سپرهای ۵۰۰ سال پیش آن زمان هخامنشیان شبیه بوده (فرخ، ۱۳۸۸، ۴۱).

رسته تیر اندازان

تیراندازان غالباً مهمترین بخش پیاده نظام ارتش ساسانی را به خود اختصاص داده بودند، در واقع تیر اندازان نخبگان پیاده نظام محسوب می‌شدند. آنان در فنون تیر اندازی سرآمد آن عصر به شمار می‌رفتند و همواره مایه ترس و وحشت رومیان بودند. در این عصر تیراندازان سپرهای بزرگ مشبکی داشتند که آنان را همانند دیواری در مقابل خود قرار می‌دادند و با کمال مهارت از میان آن تیراندازی می‌کردند (حکمت و دیگران، ۱۳۴۳؛ ج ۲: ۱۰۸۸).

رسته فیل سواران^۱

در ارتش ایران در دوران ساسانی، رسته نوینی به نام فیل سواران پدید آمده بود که از دید رزمی بسیار پرارزش به شمار می‌رفت. پیل سواران در رده‌بندی رزمی ارتش ساسانی، در پشت سر سپاهیان پیاده می‌ایستادند و ذخیره و پشتیبان سپاهیان شمرده می‌شدند. در دوره هخامنشیان که ارابه های جنگی وجود داشت در دوره ساسانی فیل سواران نیز جزء رسته سوار نظامی بودند و تقریباً نقش مشابه ارابه سواران جنگی هخامنشی ایفا می‌کردند (مقتدر، ۱۳۲۰: ۱۰۳). مزیت اصلی پیل سواران در جنگ بلندی آنها بود و همین امر کمک می‌کرد پیل سواران بتوانند تیز خود را پرتاب دقیق و هلاک کننده به هدف اصابت دهند. نعره و بوی بد فیل ها و نیز منظره وحشت آور آنها، اسب های دشمن را می‌ترساند (کریسن سن: ۱۵۳).

1 Elephant riders

نیروی دریایی

یکی از عوامل اصلی شهرت نیروی دریایی امپراتوری ساسانیان در سده‌های ۴ و ۵ و ۶ میلادی که یگانه نیرو در پهنه خلیج فارس و اقیانوس هند بودند، کیفیت کشتی‌های جنگی آنها بوده است. میراث غنی کشتی سازی و دریانوردی ایرانیان در دوره امپراتوری ساسانیان در این حوزه بسیار کمک کننده بود و بعداً نصیب مسلمانان شده و زیربنای فرهنگ دریایی و دریانوردی آنها را تشکیل داد (فرشاد، ۱۳۷۶: ۱۳۲).

رسته شتر سواران

از دیگر رسته های ارتش امپراتوری ساسانی رسته شتر سواران بودند. در خصوص این رسته و همچنین نقش و جایگاه آنها اطلاعات دقیقی در دست نیست (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۴۴۷).

رسته «جان سپاران»^۱ یا «جان ایسپاران»

ساسانیان نیز همچون هخامنشیان گروهی سوار زبده بنام «گروه جاویدان» داشتند که گویا همچون دوران هخامنشی از ده هزار تن سوار تشکیل می شد و گمان می رود نگهبانان سلطنتی ساسانیان نیز از همین گروه بود، فرمانده آنان «ورهر نیکان خودای» نامیده می شد (علی بابائی، ۱۳۸۲: ۲۸).

سیاست دفاعی و فنون و تاکتیک های نظامی ارتش ساسانیان

در دوره امپراتوری ساسانیان شورای مُرکَب از بزرگان و فرماندهان کشور تشکیل می شد که در مورد عملیات نظامی بحث و تصمیم گیری می نمود. ساسانیان از انواع روش ها و تاکتیک های جنگی استفاده می کردند آنها در فن محاصره کردن و قلعه گیری مهارت داشتند و برای دفاع از شهرها و اردوی نظامی گاهی اقدام به حفر خندق می کردند. استفاده از منجنیق و قلعه کوب در دوره ساسانی رایج بوده است. شاه یا فرمانده لشکریان پیش از هر جنگ ارتش خود را سان می دید و هر سربازی یک تیر به درون سبد می انداخت و شمار واقعی لشکریان معلوم می شد. همچنین هنگام بازگشت از این طریق نیروهای تلف شده خود را شمارش می کردند (نفیسی، ۱۳۸۸: ۸۴). ایرانیان، مخصوصاً در زمان امپراتوری ساسانیان در فن قلعه گیری دارای مهارت بسیار بالایی بودند. بر طبق اسناد کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۸۲: ۵۲) ایرانیان در غافلگیری دشمن مهارت زیادی داشتند و کراراً ارتش های رومی را به دام می انداختند این شیوه جنگی از ابداعات ساسانیان بود و اردشیر بابکان از این فن استفاده می کرد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۱۲۸). در دوره ساسانی بکارگیری

1 Redeemers

جاسوسان در جنگ نیز اهمیت زیادی داشت در همین خصوص جهت گرفتن اسرار نظامی دشمن نیز فرماندهان مبادرت به اعزام جاسوسانی به مناطق مختلف می کردند (نژاداکبری، ۱۳۸۶: ۲۶۹). استراتژی زمین سوخته یک راهبرد نظامی است که به معنی از بین بردن تمامی منابع در دسترس نیروی دشمن است. از این استراتژی در ارتش ساسانی استفاده می شده است. پادشاهان امپراتوری ساسانی برای ایجاد امنیت راه‌ها یا ترس از کمین دشمنان، دژهایی ساخته بودند و آنها را محافظت می کردند که مانع حملات کمین و یکباره دشمنان شده و آن‌ها اولین بار در زمان اردشیر بابکان از حفر خندق استفاده کردند (مقتدر، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

تشکیلات و آرایش جنگی در میدان نبرد

فنون جنگی متداول در میدان نبرد در ارتش ساسانیان به این شکل بود که به طور کلی ارتش به پنج بخش تقسیم می شد: خط اصلی متشکل از سواره نظام برگزیده یا سواران سنگین اسلحه بودند. خط دوم شامل نیروی‌های کمکی از جمله پیاده نظام سنگین اسلحه بودند. که پشت سر خط اصلی قرار می گرفتند، بعد از این گروه‌ها دو جناح معمولاً از سواره نظام تشکیل می شد قرار می گرفتند. خط چهارم گروه کوچکی با عنوان نیروهای احتیاط یا سپاه ذخیره بودند که شامل بهترین گروه اسب سواران جان سپار یا پیش مرگ بودند (ساکت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

ابزار سیاست دفاعی و تهاجمی ارتش ساسانی

در زمان ساسانیان ارتش از چند نوع کمان چوبی، فلزی و شاخی در جنگ‌ها استفاده می کردند (فرشاد، ۱۳۵۵: ۱۰۷). تیرداران، نیزه، تبر و تبرزین از جمله سلاح‌های سازمانی سواره نظام محسوب می شود (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۳۷) و ارتش سواره نظام تبر یا تبرزین را بر پهلوی زین اسب خود می بستند تا در زمان نیاز در میدان نبرد از آن استفاده کنند. در زمان ساسانیان زوبین انداختن یکی از فنون مهم جنگی محسوب می شده است (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۱). بیشترین استفاده و کاربرد گرز توسط سربازان و در جنگ‌ها بوده است چرا که این سلاح قدرت تخریب و تکه تکه کردن زره دشمن را داشت (فرخ، ۱۳۸۹: ۲۳) و یا به جهت کوبیدن بر سر سربازان دشمن از آن در آورده استفاده می شده است. و در زمان ساسانیان به بخش نیروهای پیادگان سبک اسلحه تخصیص داده می شده است. همچنین دسته سنگ‌انداز، گلوله‌های سنگی که از فلاخن پرتاب می شد، با استفاده از آن دشمن را به ستوه می آوردند. شمشیر در جنگ‌های ایران باستان بسیار کاربرد داشته است. شمشیرهای دوره ساسانیان در مقایسه با شمشیرهای دوره اشکانیان بلندتر و نازک‌تر بوده است به

طوری که در دوره ساسانیان طول این شمشیرها حدود ۱۱۰ سانتی متر و عرض آن نیز در حدود ۵ تا ۸ سانتی متر بوده است (فرخ، ۱۳۸۹: ۲۰). سواران ساسانی بیشتر از زره‌های زنجیری بهره برداری می کردند (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۱۴). سپرها انواع مختلف داشتند و همچنین دارای اشکال گوناگون از جمله دایره، لوزی و مستطیل بودند. هر چند غالب سپرهای عصر ساسانی دایره ای بود (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۴). بکارگیری و استفاده از این ابزار بیشتر مربوط به سواره نظام سنگین اسلحه بود که هسته اصلی ارتش ساسانی را تشکیل می دادند. (پوربهن، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

ویژگی های ارتش ساسانیان و اعراب مسلمان

سپاهیان ساسانیان و اعراب در بسیاری از ویژگی‌ها دارای تفاوت های بسیاری بودند در ادامه به برخی از این تفاوت ها در جدول زیر اشاره می شود و ابتدا مشخصه های اصلی سپاهیان ساسانیان و اعراب مسلمان بررسی می شود.

جدول ۲: مشخصه های اصلی سپاهیان ساسانیان و اعراب مسلمان

ردیف	معیار	توضیحات
۱	نظم و انضباط	ارتش ساسانیان دارای نظم و انضباط همانند ارتش های امروزی بود در حالی که اعراب مسلمان ارتش منظم نداشتند.
۲	آمادگی	ویژگی بارز ارتش اعراب مسلمان آمادگی سپاهیان مسلمان بود. ارتشی که به اختیار و با عشق به شهادت پا به میدان نبرد می گذارد در مقایسه با سپاهی که با تحکم فرماندهان وارد میدان نبرد می شود بسیار متفاوت هستند
۳	نگرش دینی	اعراب مسلمان نگرش دینی داشتند و شهادت را به منزله رسیدن به بهشت و سعادت جادوانه می پنداشتند در حالی که در ارتش ساسانیان چنین نگرشی وجود نداشت
۴	اجبار	عامل بعدی در خصوص تفاوت سپاه ساسانی و اعراب مسلمان بحث اجبار و اکراه در سپاه ساسانیان بود. در ارتش ساسانیان صرف نظر از برخی از فرماندهان دلاور که در نبردهای تن به تن پا در میدان نبرد می گذاشتند اما در بین توده سپاهیان چنین جانفشانی هایی بسیار نادر بود در حالی که در بین اعراب این ویژگی میل و علاقه به جنگ بسیار برجسته تر بود.
۵	انگیزه فرماندهان و زیردستان	نه تنها بخش بزرگی از سپاهیان ایران و مردم عادی ایران میل و رغبتی برای جنگ با اعراب مسلمان نداشتند بلکه در برخی مواقع و در شرایط اقتضایی به خاطر منافع فردی با هم همکاری می کردند و حتی گاهی از افراد عادی و سپاهیان به نفع اعراب می جنگیدند
۶	اتحاد و همدلی	عامل بعدی اتحاد بود که تفاوت زیادی در بین سپاهیان مسلمانان و سپاه ساسانیان وجود داشت. اتحاد و همدلی و همچنین دوری از تفرقه و جدائی از مشخصه های بارز در نبردها است. بعد از اسلام اعراب مسلمان چنان متحد شدند که همگی یکدل و یک زبان شده بودند
۷	مشورت و رایزنی	در نبرد ساسانیان و اعراب نیز مشورت همواره به کمک اعراب مسلمان آمد. بر اساس منابع و اسناد تاریخی بسیاری از این مشورت ها بین خلیفه و فرماندهان و همچنین بین فرماندهان با هم و با زیر دستان بسیار موجود است

تعداد نفرات شرکت کننده ارتش ساسانیان در مقابل اعراب مسلمان

آنچه که در جنگ بین ایرانیان و اعراب مسلمان بسیار برجسته و روشن است برتری نفرات ایرانیان نسبت به اعراب مسلمان است. برتری چشم گیر ایرانیان در مقابل سپاه اعراب در تمامی نبردها غالب بود. در برخی منابع گزارش شده است که شماره سپاهیان ایرانی در مقابل اعراب با برتری سه برابری به نفع ارتش ایرانیان بود با وجود این تلفات انسانی ایرانیان در غالب جنگ ها سه برابر تلفات اعراب مسلمان بود. اما هر چند در این خصوص مبالغه بسیاری شده است در ادامه به برخی از منابع تاریخی مهم در این خصوص اشاره می شود. در همین خصوص زرین کوب (۱۳۶۰: ۱۹۷) به نقل از طبری اشاره کرده است زمانی که خالد به دستور ابوبکر روانه مرزهای ایران برای نبرد با ارتش ساسانیان شد قبایل عرب در راه به او می پیوستند. طبری و به تبع ابن خلدون و ابن اثیر تعداد کشته شدگان این جنگ بجز غرق شدگان در رودخانه سی هزار ثبت کرده اند. به دنبال آن فرمانده ایرانی (جلبان) به همراه قبایل عرب مسیحی در محل الیس شکست سختی از خالد فرمانده اعراب خوردند. تعداد لشکر اعراب مسلمان در این جنگ هیجده هزار نفر بوده (طبری، ۱۳۶۶: ۱۴۹۴) که تلفات انسانی که به ارتش ایران وارد کرده بود بالغ بر هفتاد هزار نفر بیان شده است (ابن اثیر، ۱۹۹۶: ۱۱۰). در نبرد پل که تنها پیروزی ارتش ساسانیان در مقابل اعراب مسلمان بود شمار لشکر اعراب به فرماندهی ابوعبیده ثقفی حداکثر نه هزار نفر بیان شده است (دینوری، ۱۳۹۵: ۱۴۴؛ ابن خلدون، ۵۰۶). شمار تلفات اعراب مسلمان در این نبرد اعم از کشته شدگان و زخمی ها چهار هزار نفر بوده است که اگر چه ارتش ایران پیروز نبرد بود. سپاهیان مسلمان در سال ۱۴ هجری که به غارت دیر هند و اطراف آن می پرداختند مهران پسر مهربنداد را مجبور ساخت با سپاهی دوازده هزار نفری برای دفع آنها گسیل شود اما در نبردی در بویب شکست خورد و کشته شد. در برخی از منابع تعداد کشته شدگان ایرانی را صد هزار نفر گفته اند (ابن اثیر، ۱۹۹۶: ۱۶۲) در حالی که فقط ۱۲ هزار نفر در این جنگ شرکت کرده بودند. اما قادسیه که یکی از مهمترین نبردهای ارتش ساسانیان با سپاهیان مسلمان بود آماری که در این خصوص بیان شده است بسیار مغشوش و متفاوت است کمینه تعداد نیروهای سپاه رستم در این جنگ سی هزار نفر عنوان شده است که گروهی دیگر نیز از این تعداد حمایت کرده اند (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۳۱۸). در کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام این تعداد را به عنوان حداقل رقم عنوان شده از ابوعوانه نقل کرده است در مقابل

کمترین تعداد نفرات بیان شده برای اعراب مسلمان را ده هزار نفر که توسط بلاذری نقل شده است. در حالی که مسعودی، ابن خلدون و مقدسی تعداد ارتش ساسانیان را شصت هزار نفر و بلاذری ۱۲۰ هزار نفر عنوان کرده است و حتی طبری در یک روایت بسیار مبالغه گونه تعداد سپاه ساسانیان با اتباع خویش را دویست هزار نفر اعلام کرده است. اما آنچه که غالب محققان و مورخین تاریخ بیان کرده اند تعداد لشکریان اعراب مسلمان را سی هزار نفر عنوان کرده است (ابن الاثیر، ۱۹۹۶: ۲۱۷؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۵۳).

سلاح های ارتش ساسانیان و سپاه اعراب مسلمان

همانطوری که در بخش قبل اشاره شد، ارتش ساسانیان دارای انواع مختلفی از سلاح ها بودند در جدول (۳) برخی از این سلاح های ساسانیان و اعراب مسلمان ارائه شده است.

جدول ۳. سلاح های ساسانیان و اعراب مسلمان

سلاح های اعراب مسلمان	سلاح های ساسانیان
شمشیر، سپر، نیزه، تیر و کمان	زره، چهارآئینه (نوعی لباس جنگی)، کلاه خود، برگستوان، سپر، گرز، تبرزین، شمشیر، خنجر، تیر و کمان، تیردان، نیزه، زوبین، فلاخن، ارابه های جنگی، نفت و واحد نفت اندازان، منجنیق

ایرانیان و ارتش ساسانیان به لحاظ سلاح بسیار مجهزتر از سپاه اعراب مسلمان بودند. جنگ افزارهای اعراب در زمان ساسانیان چنان ساده و ابتدایی بود که با مشاهده آن، ایرانیان آنها را به تمسخر می گرفتند در همین خصوص مورخان اشاره کرده اند که نمایندگان مسلمان که برای صلح با ایرانیان آمده بودند اسب های لاغر و سلاح های بسیار ابتدایی داشتند و به نیزه های آنها دوک می گفتند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۲۰). اگر چه سلاح های ایرانیان بسیار مدرن بود اما برق انبوه سلاح های ساسانیان چشم اعراب مسلمان را خیره نکرد و هراس در دل آنها نینداخت. اعراب در قادسیه با شمشیر، نیزه، زره، سپر، جوشن، مغفر، تیر کمان، زوبین، منجنیق جنگیدند سپس خنجر و تبرزین و چکش را نیز از ایرانیان یاد گرفتند و بر سلاح خود افزودند (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۱۴۵). ایرانیان در این دوره دارای اسلحه خانه هایی بودند که در زمان جنگ در اختیار ارتش قرار می گرفت و پس از جنگ این سلاح ها در انبارها نگهداری می شد در حالی که هر یک از اعراب مالک جنگ

افزار خود بودند و خود مسئول تهیه، تعمیر، حفظ و نگهداری از آن بود (کریستن سن، ۱۳۸۶: ۸۷). اعراب با پیروزی در نبرد قادسیه با بهره گیری از سلاح های ساسانیان و غنیمت گرفتن سلاح های آنها از حیث جنگ افزار و سلاح موقعیت بهتری پیدا کردند و این امکان برای آنها محیا شد تا از ابزارهای ساسانیان بر علیه آنها استفاده کنند (طبری، ۱۳۶۲: ۱۶۴۶).

نحوه آرایش جنگی سپاهیان ساسانی در سیاست دفاعی مقابل اعراب مسلمان

زمانی که اعراب به سوی ایران حمله کردند بیشتر نیروها به صورت عشیره ای بودند و این گونه بود که هر قبیله و عشیره یک گروه و واحد نظامی مجزا به حساب می آمده است. واحدهای کوچک از اعضای یک خاندان و واحدهای بزرگتر از اعضای یک قبیله تشکیل می شده است چنین ترکیبی از سپاه سبب می شده در میدان نبرد افرادی در کنار هم قرار بگیرند که نسبت خویشاوندی و آشنایی داشته باشند و این واحدهای نظامی از یکپارچگی و فشرده گی بیشتر برخوردار می شده است در همین خصوص ابن الاثیر (۱۳۰۰: ۲۱۷) اشاره کرده است که قبل از نبرد قادسیه سعد در محل شراف فرود آمده بود و مواضع سپاهیان را به عمر گزارش کرد. خلیفه به سعد دستور داد سپاه را به دسته های ده نفری تقسیم کند و برای هر دسته سردسته بگمارند و فرماندهان را تعیین کنند و سپاه خود را منظم سازد (همان، ۱۶۴). هر یک از سپاهیان ساسانیان و سپاه اعراب مسلمان در آن دوران به پنج قسمت شامل پیش روان، مرکز و دو پهلو (جناحین) در دو سوی آن و عقب داران تقسیم می شدند بر اساس این تقسیم بندی سپاه را پنجه (خمیس) می نامیدند (به نقل از مصدقی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۱۴۹). اولین اصل مشترک این بود که زمانی نیروهای اصلی به هم می رسیدند در برابر هم صف آرایی و به آرایش نظامی می پرداختند برای مثال در جنگ قادسیه ایرانیان سیزده صف و اعراب سه صف که هر کدام از نیروها پشت سر هم بودند (دینوری، ۱۳۸۶: ۱۳۲). قلب لشکر که مرکز فرماندهی هم در آنجا بود در مرکز سپاه واقع می شد روشن است که این قسمت برای لشکر دارای اهمیت ویژه ای بود. سعد فرمانده سپاه اسلام در قادسیه در حالی که بر هر یک از دو پهلو ده هزار نیروی جنگی تعبیه می کرد بر قلب پانزده هزار نفر می گماشت (ابن اعثم، ۱۳۷۲؛ ۱۰۶). در همان نبرد نیز رستم سپه سالار ایرانیان در هر یک از جناحین هفت تا هشت فیل جنگی اما برای قلب سپاه هیجده فیل جنگی بیارست (طبری، ۱۳۶۶؛ ۱۷۰۵). فرماندهی سپاه ایران در نبرد جلولاء برادر رستم خرزاد بود او فرماندهی قلب لشکر را به

هرمزان سپرد که در سال‌های بعد خود فرمانده جنگ شوشتر شد و در آن جنگ قلب سپاه را به شخصه فرماندهی می کرد این در حالی است که در نبرد نهاوند فرماندهی سپاه اسلام بر عهده نعمان پسر مقرن بود و فرماندهی قلب سپاه اعراب بر عهده عمر و بن معدی کرب بود (ابن اعثم، ۱۳۷۲؛ ۲۳۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایرانیان، مخصوصاً در زمان امپراتوری ساسانیان در فن قلعه‌گیری دارای مهارت بسیار بالایی بودند. کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان چنین آورده است که ایران عهد ساسانی فنون قلعه‌ستانی را از رومیان فراگرفته و از قوچ و منجنیق و برج متحرک و سایر آلاتی که از قدیم الایام در محاصره استفاده می شد را به کار می بردند و وقتی خود آنها محصور می شدند، طریقه دفاع از آن ابزار دشمن را می دانستند و سلاح‌های جنگی دشمن را از کار می انداختند و قوچ‌های آنان را در کمند می گرفتند و سرب گذاشته یا مواد قابل اشتعال دیگر بر روی ادوات دشمن می ریختند (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۱۵۷). ساسانیان برعکس پارتیان در فنون محاصره و باز کردن قلعه‌ها و شهرها مهارت بسیار بالایی داشتند. ساسانیان در طول زمان نحوه تصرف قلعه‌ها و شهرها را از رومیان آموخته بودند و یا خود با ابداع دستگاه‌های مخصوص محاصره این کار را انجام می دادند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۳۷). ابزارهای مختلفی که ارتش ساسانیان در محاصره قلعه‌ها به کار می‌بردند، عبارت بودند از: «منجنیق، دژکوب‌های کژدم، استفاده از مواد آتش‌زا (مانند نفت) که به وسیله تیر به سوی هدف پرتاب می شد، برجک‌های متحرک و سلاح‌های پرتابی در اندازه‌ها و با قدرت‌های متفاوت بود (فرخ، ۱۳۹۰: ۳۳۰). در ایران دوره ساسانی، اردشیر بابکان بنیانگذار دولت ساسانی، با در دست گرفتن قدرت توانست حکومتی مرکزی ایجاد کند و با پیوند دین و دولت، کشور را اداره نماید. در آن زمان نعره مردان و شیهه اسبان و صدای فیلان در ارتش ساسانیان لرزه بر اندام امپراتوری روم انداخته بود همان زمان بود که جوان‌های سبز و شاداب اسلام چهره خشک و سیاه و تیره عربستان را طراوت بخشید و سیاهی دوران جاهلیت را به روشنایی تبدیل می کرد در چنان موقعیتی اگر صحبت از جرات و جسارت رویارویی اعراب با امپراتوری ساسانی به میان می‌آمد فقط یاوه‌سرایی و حرفی نابخردانه تلقی می‌شد. ارتش ساسانی دارای ساختارهای پیچیده‌ای بوده است همانطوری که اشاره شد بخشی از ساختار ارتش ساسانیان مربوط به تشکیلات نظامی بود که در قسمت‌های قبل تشریح شد. واحدهای تشکیل دهنده ارتش ساسانیان شامل

سواره نظام سنگین اسلحه، سوار نظام سبک اسلحه، پیاده نظام سنگین اسلحه، پیاده نظام سبک اسلحه، اراکه‌های نظامی، رسته فیل‌ها، شتر سواران، فیل سواران، تیراندازان و... بود که به صورت کامل اینها تشریح شدند. بخش بعدی ساختار ارتش ساسانیان مربوط به سلاح‌ها و تجهیزات نظامی آنها بود، اشاره شد که سلاح‌های نظامی ارتش ساسانی شامل، شمشیر، نیزه، تبر، تبرزین، گرز، فلاخن، قلعه کوب، سرنیزه، خنجر، زوبین، تیر و کمان، سپر، منجنیق، زره و جوشن، کمند و... بود. همچنین در خصوص شیوه‌های نبرد ارتش ساسانیان نیز تشریح شد این‌ها شامل، قلعه‌گیری، شبیخون، کمین کردن، کاربرد جاسوسان در جنگ، نقیب زنی، خندق، کاربرد اسیران و... بود در حالی که سلاح‌های اعراب مسلمان بسیار ساده و ابتدایی بود. مورخین عرب، پیروزی بر ایرانیان را ناشی از شجاعت، درایت و مجاهدات سرداران اسلام می‌دانند. پیش از اسلام سلاح‌های اعراب شامل؛ شمشیر، سپر، نیزه و تیر کمان بوده است و اعراب صرفاً با این سلاح‌ها آشنا بوده‌اند. در نبرد قادسیه نیز اعراب مسلمان سلاح‌های لازم را نداشته‌اند و از طبری نقل است که بیشتر سپاهیان اعراب از جل‌های اسب به جای سپر استفاده می‌کردند و برای حفاظت از سر از طناب‌های که به سرخود می‌پیچیدند استفاده می‌کردند. همچنین اشاره شد که اسب‌های اعراب بسیار لاغر و سلاح‌های آنها بسیار ابتدایی بوده است به طوری که ایرانیان سلاح‌های اعراب را مورد تمسخر قرار می‌داده‌اند و به آنها دوک می‌گفتند. با یورش اعراب به ایران و جنگ‌های پی در پی اعراب مسلمان با برخی از فنون و سلاح‌های جنگی ساسانیان آشنا شدند و از آنها استفاده کردند در دوره بعد از حمله اعراب به ایران سلاح‌های اعراب مسلمان شامل؛ نیزه، شمشیر، تبر؛ سپر، مغفر، زوبین، تیر کمان، منجنیق، خنجر، تبرزین و چکش و... بود که بسیاری از این‌ها از جمله خنجر، تبر، تبرزین، چکش و منجنیق را از ایرانیان گرفتند و به سلاح‌های خود افزودند. در خصوص ویژگی‌های نظامی، سپاه مسلمانان بسیار ویژگی‌های مثبتی در مقابله با لشکر ایرانیان داشتند. تعالیم اسلامی توفیقات زیادی را نصیب سپاه مسلمانان کرده بود. آنها دارای وحدت کلمه، اعتقادات و باورهای قلبی و دینی به جهان آخرت، تنگی معیشت، عادت به سختی و تحمل سختی‌های بیابان، تشنگی و گرسنگی، انضباط زیاد و روحیه جنگندگی و جسارت بودند. اتحاد و همدلی از دیگر ویژگی‌های بارز سپاهیان اعراب مسلمان بود که در پیروزی آنها نقش مهمی داشت در بین اعراب اتحاد، دوری از تفرقه و جدایی و همچنین یکدلی از ویژگی‌های بارز آنها بود و یک عامل بسیار مهم در پیروزی‌های اعراب بود.

فهرست منابع

- اینا سترانتسیف، کانستانتین، (۱۳۸۴)، تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۹۹۶)، تاریخ کامل، جلد هشتم، ترجمه حمیدرضا آژیر و محمدحسین روحانی. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۴)، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، به تصحیح محمد فرزاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- پوربهنم، فریدون، (۱۳۸۶)، پوشاک در ایران باستان، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- پیگولوسکایا، آر. یو. باکویوسکی و دیگران، (۱۳۵۴)، تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
- تفضلی، احمد، (۱۳۸۵)، جامعه ساسانی سپاهیان، دبیران و کاتبان و دهقانان، ترجمه شیرین مختاریان، مهدی باقی، تهران: نی.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعی، (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالبی سغری اخبار ملوک الفرس سیرهم، ترجمه محمد فضائلی، تهران: نقره.
- جلالی، ایرج، (۱۳۸۴)، ارتش ایران در عصر ساسانیان، چاپ اول. تهران: انتشارات ودیعت.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۵۵)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی، بیجا، انتشارات: دوره عالی جنگ.
- حسینی امینی، حسن و معتمد، افسانه، (۱۳۹۹)، تحلیلی بر ساختار ارتش ساسانیان با تأکید بر پدافند عامل و غیرعامل، اولین همایش مجازی دفاع، تهران.
- حکمت، علی اصغر و دیگران، (۱۳۴۲)، ایرانشهر. نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، جلد اول.
- حکمت، علی‌رضا، (۱۳۵۰)، آموزش و پرورش در ایران باستان، چاپ اول، تهران: نشر چاپخانه کیهان.
- دشتی، علیرضا و مختاری، علی، (۱۳۹۷)، نقد و بررسی مهمترین جنگ‌های اواخر دوره ساسانیان از نبرد ذی قارتا تا نبرد فتح الفتوح با تأکید بر شکست ساسانیان " پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناوه
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۹۵)، اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چاپ دهم، تهران: انتشارات نی.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۵۰)، ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی، تهران: انتشارات شورای ارتشی جشن دوهزاروپانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران.
- رجبی، پرویز، (۱۳۸۳)، هزاره‌های گمشده. جلد پنجم. چاپ دوم، تهران: انتشارات توس. تابستان.
- رجبی، علی، (۱۴۰۰)، درسنامه آموزشی تاریخ (۱) انسانی کلاس دهم رشته ادبیات و علوم انسانی.

- ساکت، سلمان، یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، آرایش سپاه و فنون رزمی در دوره ساسانی و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی. کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی.
- شیپمان، کلاوس، (۱۳۸۶)، مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۲)، تاریخ طبری. جلد دوم. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- غفوری، علی، (۱۳۸۶)، ۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ. چاپ دوم، تهران: انتشارات هیرمند.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۳)، سواره‌نظام زنده ساسانی. ترجمه میثم علیی. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۸)، ایران باستان در جنگ (سایه‌های صحرا). ترجمه شهریانو صارمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- فرشاد، مهدی، (۱۳۵۵)، بررسی مهندسی کمان‌های باستانی ایران، مجله بررسی‌های تاریخی، ۳(۱۱): ۲۱۵-۲۲۸.
- فرشاد، مهدی، (۱۳۷۶)، تاریخ مهندسی در ایران، تهران: انتشارات بلخ.
- قائدان، اصغر، (۱۳۸۶)، منجیق در نبردهای مسلمانان، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۱۳(۵): ۲۵-۴۹.
- کارنامه اردشیر بابکان، (۱۳۸۲)، ترجمه، آوانویسی و واژه‌نامه بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرمیان، غلامرضا، امامی، نیلوفر، (۱۳۹۷)، ابزار آلات جنگی دوره ساسانیان در موزه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- کریستنسن، آرتور، (۱۳۷۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
- لوکونین، ولادیمیر، (۱۳۶۵)، تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت ا..... رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام، تهران: اشرفی.
- مقتدر، غلام‌حسین، (۱۳۲۰)، تاریخ نظامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر چاپخانه بهار.
- نژاداکبری، مهربان، مریم، (۱۳۸۶)، شاهنشاهی ساسانیان، تهران: کتاب پارسه.
- نفیسی، سعید، (۱۳۸۸)، کتاب تاریخ تمدن ایران ساسانی. چاپ یکم، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- نیکول، دیوید، (۱۳۹۵)، ارتش ایران ساسانی، ترجمه محمد آقاجری. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس.

